

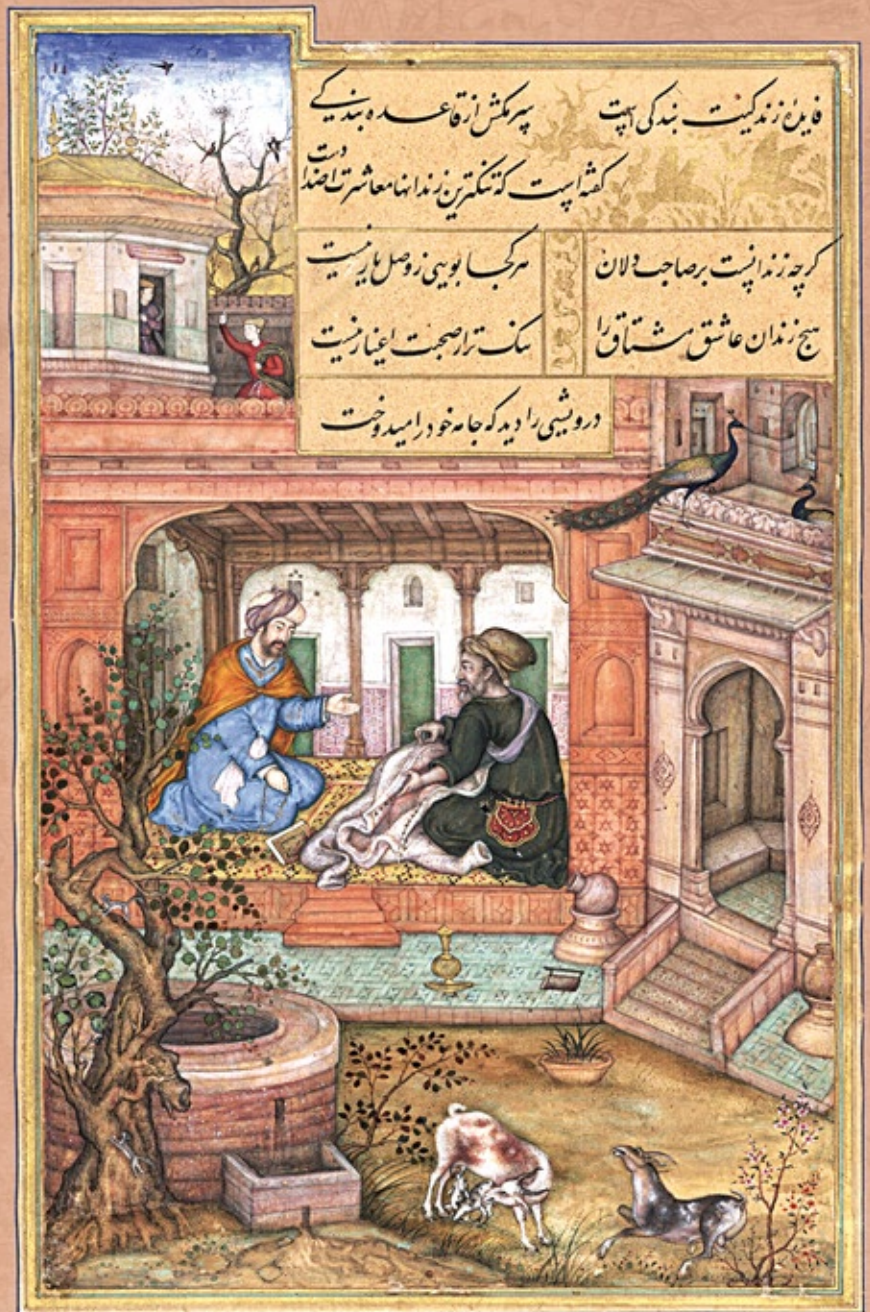
گزارش میراث

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

سرسختن: چرا از ترجمه غافلیم؟ ● رساله‌ای درباره سرگذشت و آثار ارسطو / مواند راند، ترجمه: حسین مصومى مصداق ● یک داستان عاشقانه دور از انتظار: ارزیابی مجدد انتساب خسرونامه / لستین اومل، ترجمه: شکوه سیدی ● ابواسحاق کازرونی و دوروش‌های اسحاقی در آناتولی / فواد کوروش، ترجمه به آلمانی، پب. ویگک، ترجمه از آلمانی به ترکی، جمال کوروش، ترجمه به فارسی

حجت‌نعمری ● نسخه‌های نویافته از هزار حکایت صوفیان / سید عالم‌مهدی ● دوستی شاه خورشید / سید احمدرضا قائم‌مقام ● بیاض صائب / سید جعفر حسین اشکوری ● استنراقاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان / حمیدرضا بابکی سلماسی ● آگاهی‌هایی دیگر از شاعر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و خاندان او / حمیدرضا فیض‌سیدی ● بررسی اشعار دو شمس حاجی در مجموعه لطایف و سفینه نظریات / محسن شریف صبی ● مکویات قدیم یا مکویات صلیبی؟ ادراک بر نام یک اثر / مستصاف غامدی ● بررسی یک احتمال: جای خالی عنوان «عروش الدین» در لباب الایجاب / سارا سلیمان کشکولی ● بررسی ابیاتی از تفریحی سیستان بر اساس جنگ یحیی توفیق / مجله‌نور ● زیر دای مستشرقین: مسیر اکتشاف نسخه‌های سفرنامه ابن بطوطه / رحانه بهبودی ● اهمیت فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا) از دیدگاه شبه‌فازره / عارف نوشاهی ● نکاتی درباره تصحیح تازه فرامرزانیه کوچک و سراینده و زمان نظم آن / سجاد آبنلو ● ترجمه یا مرجع؟ (نویسنده‌ای درباره پژوهشی در طبایع الحیوان) / یوسف الهادی، ترجمه: سلمان صاکی ● ملاحظاتی متن تصحیح‌شده عجایب الدنیا / سید رضا موسوی هفتاد، رادمان رسول مهربانی ● ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۲) / یک لقب و منصب پادسی در اسناد آرامی باستان / والتر برونونو هینک، ترجمه: سید احمدرضا قائم‌مقام ● ایران در متون و منابع عثمانی (۲۳) / آثار احمد جودت‌پاشا / نصرالله صاکی ● توضیحی درباره «سین زایی» و «شین زایی» / علی‌شرف صافقی ● چند - مسوول‌رستری‌پور



فهرست

سرخن

چرا از ترجمه غافلیم؟ ۴-۳

جستار

- رساله‌های درباره سرگذشت و آثار ارسطو / مروان راشد؛ ترجمه: حسین معصومی همدانی ۸-۵
- یک داستان عاشقانه دور از انتظار؛ ارزیابی مجدد انتساب خسرونامه / آستین اوملی؛ ترجمه: شکوفه مبینی ۳۳-۹
- ابواسحاق کازرونی و درویش‌های اسحاقی در آناتولی / فواد کوپرولی؛ ترجمه به آلمانی: پ. ویتیک؛ ترجمه از آلمانی به ترکی: جمال کوپرولی؛ ترجمه به فارسی: حبیب فخری ۴۰-۳۴
- نسخه‌های نویافته از هزار حکایت صوفیان / حامد خانی‌پور ۵۰-۴۱
- دوستی خاله خرسه / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۵۵-۵۱
- بیاض صائب / سید جعفر حسینی اشکوری ۵۹-۵۶
- استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان / حمیدرضا (بابک) سلمانی ۶۶-۶۰
- آگاهی‌هایی دیگر از شاعر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و خاندان او / حمیدرضا فهندژ سعدی ۷۲-۶۷
- بررسی اشعار دو شمس حاجی در مجموعه لطایف و سفینه طرایف / محسن شریفی صحنی ۷۵-۷۳
- مکتوبات قدیم یا مکتوبات صلی؟ (درنگی بر نام یک اثر) / محمّدصادق خانی ۷۸-۷۶
- بررسی یک احتمال: جای خالی عنوان «عروش الدین» در لباب الالباب / سارا سلیمانی کشکولی ۸۰-۷۹
- بررسی ابیاتی از فرخ سیستانی بر اساس جنگ یحیی توفیق / کیامهر نامور ۸۷-۸۱
- زیرردای مستشرقین: مسیر اکتشاف نسخه‌های سفرنامه ابن بطوطه / ریحانه بهبودی ۹۵-۸۸

نقد و بررسی

- اهمیت فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا) از دیدگاه شبه‌فازره / عارف نوشاهی ... ۹۸-۹۶
- نکاتی درباره تصحیح تازه فرامرنامه کوچک و سراینده و زمان نظم آن / سجاد آیدنلو ۱۱۳-۹۹
- ترجمه یا مرجمه؟ (توضیحاتی درباره پژوهشی در طبائع الحيوان) / یوسف الهادی؛ ترجمه: سلمان ساکت ۱۲۳-۱۱۴
- ملاحظاتی در متن تصحیح‌شده عجایب الدنيا / سید رضا موسوی هفتاثر؛ رادمان رسولی مهربانی ۱۴۵-۱۲۴

پژوهش‌های دبایستی

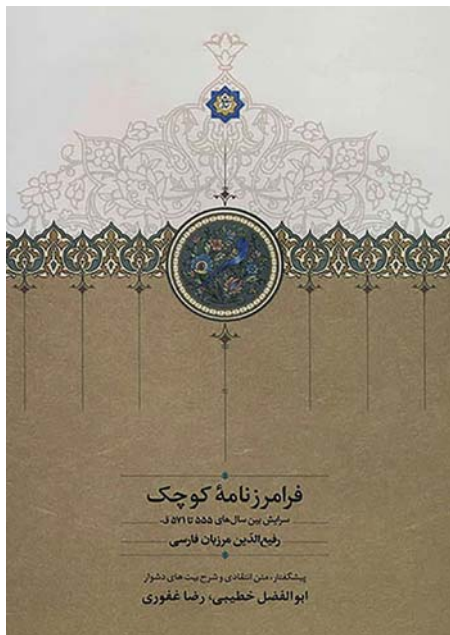
ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۱۲) (یک لقب و منصب پارسی در اسناد آرامی باستان) / والتر برونو هنینگ؛ ترجمه: سید احمد رضا قائم‌مقامی ۱۵۱-۱۴۶

ایران «متون و منابع عثمانی» (۳)

آثار احمد جودت‌پاشا / نصرالله صالحی ۱۵۴-۱۵۲

دبارة نوسازی پیرسین

- توضیحی درباره «سین زایی» و «شین زایی» / علی‌اشرف صادقی ۱۵۶-۱۵۵
- چند-چند / مسعود راستی‌پور ۱۵۹-۱۵۷



نکاتی درباره تصحیح تازه فرامرنامه کوچک و سراینده و زمان نظم آن

سجاد آیدنلو

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور اورمیه
aydenloo@gmail.com

چاپ به پیروی از تعبیر فان زوتفن (VAN ZUTPHEN, 2014: 280) فرامرنامه کوچک نامیده شده. با استفاده از هفت دستنویس و نیز چاپ سنگی فرامرنامه تهیه شده و نسخه پاریس (۱۱۷۳ق) اساس تصحیح قرار گرفته است. مصححان منظومه، ابوالفضل خطیبی و رضا غفوری، متن را با روشی کاملاً علمی-انتقادی تصحیح و چاپ کرده‌اند. فرامرنامه کوچک مقدمه‌ای محققانه و روشنگر در شصت و شش صفحه دارد که شامل این مباحث است: عنوان منظومه؛ سراینده و زمان سرایش؛ چاپ‌های فرامرنامه؛ مأخذ منظومه؛ خلاصه فرامرنامه کوچک؛ ساختار داستانی؛ متن‌شناسی؛ لغات و ترکیبات؛ معرفی دستنویس‌ها؛ روش تصحیح متن و تصاویر برخی برگ‌های دستنویس‌ها.

در متن تصحیح شده، نسخه بدل‌ها به دقت در زیرنویس همه صفحات داده شده و در پایان پیوستی با نام «روایتی از بخش مفقود فرامرنامه کوچک در یک طومار نقالی» آورده شده است. مصححان برای توضیح لغات و ترکیبات و ابیات درخور بحث متن، یادداشت‌هایی در بیست و یک صفحه (ص ۱۳۳-۱۵۴) نوشته‌اند. پس از بخش یادداشت‌ها نیز فهرست لغات و ترکیبات برگزیده، نمایه اعلام اشخاص و جای‌ها و فهرست منابع آمده است. این اثر بسیار پاکیزه و چشم‌نواز چاپ شده است.

فرامرنامه کوچک (سرایش بین سال‌های ۵۵۵ تا ۵۷۱ق)، رفیع‌الدین مرزبان فارسی. پیشگفتار، متن انتقادی و شرح بیت‌های دشوار: ابوالفضل خطیبی و رضا غفوری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن، ۱۳۹۹.

بخشی از داستان‌های مفصل فرامرز، فرزند رستم - که بنا بر اشاره‌ای در تاریخ سیستان دوازده جلد بوده (تاریخ سیستان، ۱۳۸۷: ۵۳) - دو بار و در دو برهه زمانی متفاوت به نظم کشیده شده است. نخست ظاهراً در اواخر قرن پنجم و در منظومه‌ای ۵۴۴۲ بیتی از سراینده‌ای ناشناس، که فرامرنامه اول یا بزرگ نامیده می‌شود - و بار دیگر در ۱۵۷۸ بیت در فرامرنامه دوم یا کوچک.

فرامرنامه دوم / کوچک غیر از این که در کنار فرامرنامه اول / بزرگ در سال ۱۳۲۴ق در بمبئی به صورت سنگی چاپ شده و یک بار نیز در تهران (انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۶) به کوشش میترا مهرآبادی به شکل حروفی منتشر شده است، نخستین بار در قالب رساله دکتری مجید سرمدی در دانشگاه علامه طباطبائی تصحیح شده و در سال ۱۳۸۲ از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به طبع رسیده است. این چاپ بر پایه دو نسخه خطی و چاپ سنگی فرامرنامه فراهم آمده است.

تصحیح جدید فرامرنامه دوم / کوچک - که در این

فرامرزنامه کوچک از منظری، متنی دوگانه و ابهام‌دار است، زیرا از یک سو بر اساس قراین و نشانه‌هایی که نخست اکبر نحوی (۱۳۸۱: ۱۲۵-۱۳۶؛ همو، ۱۳۹۱: ۷۹۴) و سپس مصححان متن عرضه کرده‌اند (ص بیست و پنج- بیست و هفت)، و به تأیید صاحب‌نظرانی مانند خالقی مطلق هم رسیده است (برای نمونه، رک. خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۷۴۳) ظاهراً سراینده آن رفیع‌الدین مرزبان فارسی در سده ششم است،^۱ اما از طرف دیگر، آن‌گونه که نگارنده هفده سال پیش در نقد تصحیح اول فرامرزنامه کوچک (به‌اهتمام مجید سرمدی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲) اشاره کرده است (آیدنلو، ۱۳۸۳: ۱۹۱-۱۹۳) در بیتی از منظومه کلمه «حسامی» چنان به کار رفته است که به نظر می‌رسد تخلص یا عنوان ناظم باشد و تا جایی که از مآخذ برمی‌آید رفیع‌الدین مرزبان فارسی، عنوان، لقب یا تخلص حسامی نداشته است. افزون بر این، در کنار قرینه‌هایی که تعلق متن را به قرن ششم نشان می‌دهد، اشارات و گواهی‌هایی نیز در این منظومه هست که از ویژگی‌های زبانی و متنی آثار پس از سده ششم است و با توجه به آن‌ها شاید نتوان به قطعیت کامل و بی‌تردید پذیرفت که فرامرزنامه کوچک از سروده‌های قرن ششم باشد.

بیتی از فرامرزنامه کوچک که ابتدا اکبر نحوی و سپس مصححان بر اساس آن سراینده متن را «مرزبان فارسی» دانسته‌اند، این است:

ز سالم چوشدسی و شش نردبان
ز پیری رسیده به سر مرزبان

(ص ۹، ب ۱۱۴)

درباره این بیت نکاتی به نظر نگارنده می‌رسد که باید طرح شود. یکی این‌که ناظم در این جا خود را سی و شش ساله معرفی کرده است، ولی اشاره به «پیری» در مصراع دوم و

۱. خالقی مطلق در مدخل «فرامرزنامه» در دانشنامه ایرانیکا، فرامرزنامه دوم کوچک را احتمالاً سروده بین میانه‌های سده پنجم و اوایل سده ششم دانسته است (KHALEGI MOTLAGH, 1999: 240).

۲. در این ابیات:

سپاس از یکی شاه پروردگار
چونرگس همه جام ولیکن تهی
که گرچه حسامی در این روزگار
به خانه خداوند و آنگه رهی

(ص ۵۵، ب ۷۱۹-۷۲۰)

اوصاف کهن‌سالی و شکستگی و نزاری در سه بیت بعد^۳ اصلاً متناسب با سی و شش سالگی نیست و چنین می‌نماید که ضبط درست باید مثلاً «شصت و شش» باشد که با سپیدی موی و زردی روی و خمیدگی قامت و آسیب‌دیدگی چشم تا حدودی همخوانی دارد، اما عجیب است که نویسنش همه نسخه‌های فرامرزنامه کوچک در این جا «سی و شش» است نه چیزی دیگر.

مطلب دیگر این‌که «مرزبان» - که در دو بیت دیگر از منظومه هم با «نردبان» قافیه شده^۴ - به گونه‌ای در این بیت به کار رفته است که شاید نتوان آن را حتماً اسم خاص یا نام یا تخلص ناظم دانست، و غیر از احتمال الزام و ضرورت قافیه - مانند آن دو بیت دیگر - دو نکته دیگر هم درباره آن گفتنی است. اولاً ساخت نحوی مصراع دوم به صورتی است که «مرزبان» نمی‌تواند اسم خاص یا تخلص باشد، زیرا جمله «ز پیری رسیده به سر مرزبان» به معنای «پیر شدن شخصی با نام یا تخلص مرزبان» جمله درست و استوار و قاعده‌مندی نیست و احتمال اینکه «مرزبان» در معنای لغوی خود استفاده شده باشد بیش‌تر است، چنان‌که در نسخه بریتانیا زیر آن نوشته شده است: «پادشاهی» (رک. فرامرزنامه کوچک، نسخه بریتانیا، به شماره Or. 2946، گ ۶ ب ۵). با معنای واژگانی «مرزبان: امیر، حاکم» منظور مصراع این است که مرزبانی / امیری از پیری به سرم رسیده است، یا به بیانی دیگر، پیری مانند مرزبانی / حاکمی بر سرم رسیده و بر من چیره شده است. ابهامی که در ضبط و معنای مصراع دوم وجود دارد باعث شده است که در چهار نسخه آن را به گونه «برآمد یکی پیرسر مرزبان» در آورند (رک. مرزبان فارسی،

۳. در این ابیات:

ز باد خزان‌ی رخم زرد شد
بنفشه سمن گشت و گل شد بهی
گل ارغوان در رخم گرد شد
شدم چنبری ساخ سرو سهی
تم خم گرفت و دلم غم گرفت
دو دیده بشورید و رخ نم گرفت

(ص ۹ و ۱۰، ب ۱۱۵-۱۱۷)

۴. در این ابیات:

دو دیده بمالید پس مرزبان
به شیب اندرون دید یک نردبان
بیامد یکایک سوی نردبان
دری دید بسته همی مرزبان

(ص ۲۲، ب ۲۸۵)

۵. تصویری از این دست‌نویس به لطف جناب دکتر ابوالفضل خطیبی در اختیار نگارنده است.

گاهی ابیات پراکنده‌ای به او نسبت داده شده (برای نمونه، رک. بهادر حسینی قنوجی بخاری، ۱۲۹۵: ۱۸۳). مطابق ابیاتی از مرزبان فارسی که در لباب‌الالباب آمده‌است، می‌توان گفت که او از شاعران خوب سده ششم بوده و این که عوفی درباره وی نوشته‌است «شعر او در علو از عرش در گذشته و لطایف سخن او بساط نظم عنصری و رودکی در نوشته» با این که از تعابیر مبالغه‌آمیز و قالبی (کلیشه‌ای) تذکره‌نویسان است، به هر حال جایگاه مطلوب مرزبان فارسی را در شاعری نشان می‌دهد.

بر این اساس اگر فرامرزنامه کوچک سروده همان رفیع‌الدین مرزبان فارسی باشد اصولاً باید به لحاظ شعری و ادبی منظومه‌ای فاخر و استوار باشد، اما گاهی در این متن - حدّاقل طبق نسخ موجود و متأخر آن - بیت‌های سست و ناتندرستی دیده می‌شود که خواننده را دچار تردید می‌کند که چنین ابیاتی از زیر قلم یکی از قصیده‌سرایان خوب قرن ششم بیرون آمده باشد و این خود قرینه‌ای دیگر برای تشکیک در انتساب قطعی فرامرزنامه کوچک به رفیع مرزبان فارسی است.^۷ برای تأیید این قیاس و استنتاج باید گفت که در گرشاسپ‌نامه اسدی طوسی که او نیز همچون مرزبان فارسی قصاید بلند و محکمی دارد این گونه ابیات دیده نمی‌شود.^۸ نمونه‌هایی از بیت‌های ضعیف و آشفته فرامرزنامه کوچک را برای دقت و توجه خوانندگان نقل می‌کنیم:

که پیغام آوردم از شاه هند
سخن‌های چندین در او مستمند

(ص ۲، ب ۹)

فرامرز با شاه پدرود کرد
جهاندار رستم از او بازگرد

(ص ۱۶، ب ۱۸۸)

۷. جلال‌الدین همایی از این مقایسه و استدلال برای رد انتساب شهریارنامه به عثمان مختاری غزنوی استفاده کرده‌است (همایی، ۱۳۶۱: ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۷۵-۳۸۴-۳۹۸).

۸. البته در هر شعر و منظومه‌ای، حتی شاهنامه فردوسی، غث و سمین هست و به صرف چند بیت سست نباید در نسبت اثری به شاعری توانا تردید کرد؛ ولی هنگامی که ضعف و ناتندرستی بعضی بیت‌ها فاصله ادبی زیادی با دیگر اشعار یک سراینده داشته باشد و شواهد دیگری نیز در اصالت انتساب اثر تردید ایجاد کند، این نکته سزاوار توجه خواهد بود.

۱۳۹۹: ۹، پانویس ۲۳) که در این نگاشته تغییر یافته نیز مفهوم تخلص یا اسم خاص از «مرزبان» بر نمی‌آید. اکبر نحوی در مقاله خود آن را به صورت «ز پیری رسیده به جان مرزبان» تصحیح کرده‌است (نحوی، ۱۳۸۱: ۱۲۶) که البته گویا در هیچ یک از نسخ نیست و تغییری قیاسی است.^۶ در این ضبط، «مرزبان» می‌تواند اسم خاص یا تخلص باشد.

ثانیاً احتمال دارد ضبط درست «مرزبان» باشد (ز پیری رسیده به سر مرزبان). با این وجه محتمل، زنجیره دستوری مصراع درست و معنا نیز روشن است: به سبب پیری به سرم (مجازاً: وجودم) زیان رسیده‌است. چنان که در بیت‌های بعدی این زیان‌ها را ذکر می‌کند. خالق مطلق هم در مقاله‌ای که درباره فرامرزنامه نوشته‌است مصراع دوم را با همین ضبط (ز پیری رسیده به سر مرزبان) آورده‌است (خالقی مطلق، ۱۳۶۲: ۹۹). بنا بر این، باید ضبط همه دستنویس‌های منظومه دوباره به دقت دیده شود تا روشن شود که آیا «مرزبان» در آن‌ها «مرزبان» خوانده می‌شود یا نه.

با این توضیحات، نگارنده معتقد است از بیت مورد بحث، که شاهد واحدی است، نمی‌توان با یقین به نام یا تخلص سراینده فرامرزنامه کوچک رسید و آن را بدون احتیاط و احتمال مطرح کرد، دست‌کم نگارنده تا کنون از این بیت به این دریافت قطعی نرسیده‌است.

متأسفانه تا امروز دیوان اشعار رفیع‌الدین مرزبان فارسی یا نمونه‌های پرشماری از سروده‌های او شناسایی نشده‌است. عوفی در لباب‌الالباب چهارده بیت از یک قصیده او به مطلع:

گل در رخ می چنان بخنید
کش مغز در استخوان بخنید

و سی‌ودو بیت از قصیده‌ای دیگر با مطلع:

از گل و سوسن نمود یار بنفشه
دایره شد گرد لاله‌زار بنفشه

آورده‌است (عوفی، ۱۳۶۱: ۸۸۵-۸۸۶). در منابع دیگر هم

۶. نحوی ضبط «به جان» را به نسخه بریتانیا ارجاع داده‌است ولی در عکس این دستنویس نیز همچون نسخ دیگر، مصراع دوم «ز پیری رسیده به سر مرزبان» است. مصححان فرامرزنامه کوچک هم نسخه بدل «به جان» برای «به سر» نیاورده‌اند.

دانسته‌اند. سپس طبق سایر اشارات سراینده به احوال خود در جای دیگر متن، که از عنایت «شاه‌پروردگار» (معادل اتابک) و «جهان‌پهلوان» به خود یاد کرده‌است،^۹ به‌قرینه این که مراد از «جهان‌پهلوان» نصرت‌الدین محمد بن ایلدگز، اتابک ارسلان سلجوقی، است درباره تاریخ نظم فرامرزنامه کوچک احتمالاتی مطرح کرده‌اند. به نظر نحوی این متن احتمالاً در حدود سال‌های ۵۵۵ تا ۵۶۰ ق به نظم کشیده شده‌است و به عقیده مصححان، این زمان را باید میان سال‌های ۵۵۵ تا ۵۷۱ (یعنی سال‌های پادشاهی اسمی ارسلان و اتابکی جهان‌پهلوان) محدود کرد (خطیبی - غفوری، ۱۳۹۹: بیست‌وشش).

اگر بپذیریم که این منظومه از مرزبان فارسی شاعر عهد سلجوقی است که در جای دیگر خود را اهل «پیروزباد» و با عنوان «حسامی» خوانده و خواستش از «جهان‌پهلوان» همان جهان‌پهلوان محمد اتابک مشهور است،^{۱۰} باید به نکته دیگری هم در همان بخش (ص ۵۴-۵۵، ب ۷۰۷-۷۲۵) توجه کرد و گمان‌هایی را برای تأملات بیش‌تر پیش کشید. سراینده ضمن شکوه از تنهایی و بی‌نوایی خویش در بیتی گفته‌است:

کجا کعبادی که یادم کند
 به‌چربی همی بخت‌شادم کند

(ص ۵۵، ب ۷۱۶)

عنوان «کعباد» برای مهتر زمان در قصیده‌ای از مجیر بیلقانی به قزل ارسلان عثمان بن ایلدگز (حک. ۵۸۲-۵۸۷؛ رک. سجادی، ۱۳۹۵: ۳۴۲) برادر جهان‌پهلوان محمد اطلاق و اتفاقاً با برادرش اتابک اعظم جهان‌پهلوان (همان شاه‌پروردگار و جهان‌پهلوان فرامرزنامه کوچک) نیز ارتباط داده شده‌است:

کعباد دوم مظفر دین
 کز عدو تیغ او امان برداشت

۹. در این ابیات:

سپاس از یکی شاه‌پروردگار
 ... چو بشنید از من جهان‌پهلوان
 بدادش بسی خواسته دلپذیر
 که گرچه حسامی در این روزگار
 به گل زد گلابی ز نرگس روان

(ص ۵۵، ب ۷۱۹، ۷۲۴ و ۷۲۵)

۱۰. در تاریخ ایران پس از اسلام تا جایی که نگارنده جست‌است «جهان‌پهلوان» فقط عنوان و یژه نصرت‌الدین محمد بن ایلدگز است و از این روی دلالت «جهان‌پهلوان» بر او در بیت فرامرزنامه کوچک پذیرفتنی است.

چو فیروز و بهروز در میسره
 کلنگوی و چندین دلیران تنه
 (ص ۶۶، ب ۸۶۷)

سمنرخ بدو گفت کای پارسی
 چو تو کشته‌ام نیزه‌ور بار سی
 (ص ۶۷، ب ۸۷۸)

خمیده ز کویال شد یالشان
 برآمد سنان رخت و کویالشان
 (ص ۶۷، ب ۸۸۴)

بزدپیل و بگرفت بازوی شیر
 به خرطوم جنگی که پیچد دلیر
 (ص ۷۷، ب ۱۰۰۳)

فرامرز و گردان ز دنبالشان
 چو روبه فکندند بدحالشان
 (ص ۸۰، ب ۱۰۴۳)

به میدان او چون بیندم میان
 ز تیغش بسازم همی پرنیان
 (ص ۸۱، ب ۱۰۵۵)

درخت سطرخی و قمری در اوی
 ز قمری و بلبل چمن گفتگوی
 (ص ۸۳، ب ۱۰۸۴)

چو آهوبه پیش اندرافگندگور
 سرهندوان اندرآمد به شور
 (ص ۸۷، ب ۱۱۲۵)

کجا شیرگنجد برویال تو
 کجا ببر پیچد به کویال تو
 (ص ۸۸، ب ۱۱۴۰)

چو گرگ سخن‌دان چو کتاس دیو
 چو آن مار کز وی جهان شد غریو
 (ص ۹۲، ب ۱۲۰۲)

فرامرز بخشید و بنواختشان
 به خود اندرون جایگه ساختشان
 (ص ۱۰۶، ب ۱۳۶۲)

چنان‌که گذشت، ابتدا نحوی و سپس مصححان فرامرزنامه کوچک بر پایه بیتی که در آن واژه «مرزبان» به کار رفته‌است ناظم متن را رفیع‌الدین مرزبان فارسی

جهان» شاید بتوان او را قزل ارسلان دانست زیرا او برخلاف ارسلان بن طغرل فرمانروای اسمی و صوری نبود بلکه «حاکم مطلق سلطنت عراق عجم و فرمانروای تمامی شهرهای آذربایجان، اران، همدان، ری و ولایات اطراف بود و حکام خوزستان و فارس نیز به صورت تابع بودند. اتابک قزل ارسلان برخلاف پدر و برادرش که صرفاً مقام اتابکی و اتابک اعظمی داشتند مقام سلطنت را نیز به دست آورد» (دیانت-وثیق، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۱). واله داغستانی هم این گونه دریافت و بدون این که عوفی به نام ممدوح مرزبان فارسی تصریح کرده باشد او را «قزل ارسلان» دانسته و ذیل معرفی رفیع الدین مرزبان فارسی نوشته است «عوفی گفته که مداحی قزل ارسلان کرده است» (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۴/ ۲۰۱۰). ابیات قصیده مرزبان فارسی درباره ارسلان این هاست:

سلطان ملک ارسلان که تیغش
بر جوشن دشمنان بخندد

شاه جهان ارسلان که کرد ز خلقش
بوی خوش خویش مستعار بنفشه

(عوفی، ۱۳۶۱: ۸۸۵، ۸۸۶)

این‌ها مسائلی است که در تعیین تاریخ نظم فرامرزنامه کوچک - به شرط درستی انتساب آن به مرزبان فارسی و روزگار سلجوقیان - نباید نادیده گرفته شود و احتیاط علمی ایجاب می‌کند که در کنار دو تاریخی که پیش تر نحوی و مصححان منظومه احتمال داده‌اند، محدوده سال‌های ۵۷۱-۵۸۲ ق هم افزوده شود.

افزون بر این نکات و احتمالات، گواهی‌هایی در متن فرامرزنامه کوچک وجود دارد که در پذیرش سرایش آن در سده ششم تردید ایجاد می‌کند و این گمان را پیش می‌آورد که شاید منظومه در سده‌های سپسین به نظم درآمده باشد. در این جا شماری از این قراین را می‌آوریم:

۱. ناظم فرامرزنامه کوچک در اغلب موارد تلفظ «و» و «ی» معلوم و مجهول را در قافیه‌بندی‌ها رعایت کرده است، اما در چند جا این هماهنگی به هم خورده است؛ از جمله هم‌قافیگی «چیز» (ی معروف) با «ریز» (ی مجهول) (ص ۱۰، ب ۱۲۳)؛ «بیست» (ی معروف) با «نویست» (ی مجهول) (ص ۱۴۰، ب ۵۲۷) و «سیر» (ی

شه قزل ارسلان که دست و دلش

از جهان نام بحر و کان برداشت

(مجیرالدین بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۴۲)

دست مخالف بیست تیغ جهان‌پهلوان

کار موافق گشاد دست قزل ارسلان

... جز ملک تاج‌بخش اعظم اتابک که راست؟

مه چو قزل ارسلان شه چو جهان‌پهلوان

(همان: ۱۵۱)

بر این اساس، اگر منظور از «کیقباد» در بیت فرامرزنامه نیز همین مظفرالدین قزل ارسلان عثمان بن ایلدگز باشد، با توجه به این که آغاز فرمانروایی او سال ۵۸۲ ق بوده و از سوی دیگر برادرش جهان‌پهلوان محمد نیز در همین سال درگذشته است (رک. خطیبی، ۱۳۷۳: ۴۸۶؛ دیانت-وثیق، ۱۳۹۳: ۱۷)، باید تاریخ سرایش فرامرزنامه کوچک را سال ۵۸۲ ق دانست.

گمان/ نکته دیگر این است که اگر مراد از «کیقباد»

ارسلان بن طغرل (حک. ۵۵۵-۵۷۱ ق) باشد که ناظم او را از سر تعظیم و مبالغه «کیقباد» نامیده^{۱۱} چون او در سال ۵۷۱، در سی و چهارسالگی، در راه رفتن از همدان به آذربایجان مرده یا بنا بر قولی به فرمان جهان‌پهلوان محمد با زهر کشته شده است (رک. خطیبی، ۱۳۷۳: ۴۸۶؛ دیانت-وثیق، ۱۳۹۳: ۱۴) به دلیل لحن دریغ و افسوسی که در یادکرد از او وجود دارد شاید این ابیات پس از مردن کشته شدن وی سروده شده باشد و سراینده از نبودن ارسلان اندوهناک باشد و در ادامه از اتابک (شاه‌پروردگار) او، جهان‌پهلوان، سپاس گزارده باشد. از این روی احتمالاً نظم فرامرزنامه کوچک پس از ۵۷۱ ق (سال مرگ/ کشته شدن ارسلان بن طغرل) خواهد بود.

رفیع‌الدین مرزبان فارسی در بخش‌هایی از دو قصیده او که در لباب‌الالباب آمده باز از «ارسلان» یاد کرده است که دقیقاً نمی‌شود گفت منظور کدام ارسلان است، ارسلان بن طغرل (حک. ۵۵۵-۵۷۱ ق) یا قزل ارسلان عثمان (حک. ۵۸۲-۵۸۷ ق). هر چند به قرینه ذکر عناوین «سلطان ملک» و «شاه

۱۱. در حدود جست‌وجوی نگارنده ظاهراً عنوان «کیقباد» برای ارسلان بن طغرل در منابع دیده نمی‌شود.

مجهول) با «اردشیر» (ی معروف) (ص ۵۴، ب ۷۰۸) برای تلفظ و قوافی این واژه‌ها، رک. عیدگاه طرهبه‌ای، ۱۳۹۹: ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۴۶، ۶۵۵). چون شعرای قرون ششم و هفتم عموماً پایبند کاربرد درست «و» و «ی» معلوم و مجهول در محل قافیه بوده‌اند، نمونه‌هایی از این دست، به‌همراه قراین دیگر، برای تشخیص زمان نظم اثر مهم خواهد بود.^{۱۲} در چندبیت دیگر نیز قاعده «دال» و «ذال» در قافیه مراعات نشده که با شیوه شاعران قرن ششم مغایر است. از جمله: دید/ قدید (ص ۲۱، ب ۲۶۸)، محمود/ آزمود (ص ۵۹، ب ۷۷۶) و عمود/ دود (ص ۶۷، ب ۸۸۲).

۲. در بیتی از فرامرزنانه کوچک واژه «قلاج» به کار رفته که در بعضی نسخ به «قلاّب» تغییر یافته‌است:

دو قلاج نبود کم آن نیش او
درازیش سیصد کم و بیش او

(ص ۴۳، ب ۵۶۱)

انتخاب و توضیح مصححان (ص ۱۴۰-۱۳۹) کاملاً درست است. «قلاج» لغتی ترکی و واحد اندازه‌گیری (به‌معنای فاصله سر انگشت میانی تا آرنج یا فاصله دو انگشت هنگام گشودن دست‌ها) است. این کلمه در فرهنگ کهن دیوان لغات‌الترک کاشغری (تألیف: ۴۶۶-۴۶۴ق) به‌صورت «قُلج» ثبت شده‌است (کاشغری، ۱۳۷۵: ۸۲۵) ولی در متون فارسی ظاهراً از واژه‌های متأخر است و تا جایی که نگارنده جست‌وجو کرده در آثار سده‌های ششم و هفتم و هشتم دیده‌نمی‌شود. این واژه ویژه متون و روایات نقلی است (برای نمونه، رک. طومار نقلی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۷۴۳) و کاربرد آن در منظومه شبرنگ‌نامه،^{۱۳} چنان‌که نگارنده در جایی دیگر نوشته (آیدنلو، ۱۳۹۷: ۶)، می‌تواند یکی از نشانه‌های تأخر این منظومه باشد. در قهرمان‌نامه ابوطاهر طرسوسی/ طرسوسی هم این کلمه آمده (طرسوسی، ۱۳۹۸: ۳۸۶) که

۱۲. برای تردید از این منظر و با این معیار در تاریخ سرایش بعضی منظومه‌های پهلوانی از جمله فرامرزنانه بزرگ، رک. عیدگاه طرهبه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۸.
۱۳. در این بیت:

دو قلاج خرطوم پیل بلند کزو خیره شد مردم هوشمند

(شبرنگ‌نامه، ۱۳۹۵: ۲۲۶)

آن هم از دستبردها و افزوده‌های کاتبان و راویان در قرون بعدی است و ربطی به طرسوسی/ طرسوسی ندارد و استعمالی قدیمی نیست.

۳. در بیتی دیگر «او» در نقش و معنای صفت پیشین «آن» به کار رفته‌است:

به دو جاکه او ددهویدا شده
کزو دود بینی به بالا شده

(ص ۴۳، ب ۵۶۶)

این ویژگی آن‌گونه که در ادامه و در بررسی ابیات متن گفته خواهد شد، در هفت بیت دیگر هم دیده‌می‌شود که در تصحیح جدید فرامرزنانه کوچک به زیرنویس رفته‌است و باید به متن آورده‌شود. استعمال «او» به‌جای «آن»، چنان‌که نگارنده پیش‌تر بحث کرده (آیدنلو، ۱۳۹۳: ۵۷-۶۰)، و در مقدمه مصححان (ص ۴۳) (چهل‌دو) هم اشاره شده، بیش‌تر ویژگی متون دوره صفوی و قاجاری است و غالباً نیز در منظومه‌های پهلوانی متأخر مانند شهریارنامه، سام‌نامه، برزن‌نامه جدید، زرین‌قبا‌نامه و طومارهای نقلی به نظر می‌رسد. پیش از عصر صفوی، این کاربرد گویا سه شاهد در مقدمه‌ی منثور شاهنامه نسخه لندن/ بریتانیا (۶۷۵ق) دارد که زمان نگارش آن موخر بر تاریخ کتابت دستنویس و احتمالاً از قرون هشتم و نهم است. یک شاهد دیگر را هم خطیبی از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری از سده پنجم یافته‌است (خطیبی، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

بنا بر این، تعدد این کاربرد در فرامرزنانه کوچک، به‌قیاس تکرار این خصیصه دستوری و سبکی در منظومه‌ها و متون روزگار صفوی و پس از آن، می‌تواند قرینه مهمی برای احتمال تأخر زمان نظم منظومه باشد. غلبه و تأثیر این ویژگی زبانی در متون متأخر چنان بوده که در یکی از دستنویس‌های ترجمه کتاب السواد الاعظم سمرقندی، که در سال ۱۲۴۷ق کتابت شده، به‌جای مواردی مانند «آن بوریا»، «آن فشردن» و «آن پله» در نسخه دیگر و کهن‌تر متن، صورت‌های «او بوریا»، «او فشردن» و «او پله» نوشته شده‌است (رک. حکیم سمرقندی، ۱۳۹۳: ۲۲۸).

۱۳۹۸: ۱۶۳، ۴۸۱) و گویا در آثار قدیمی و پیش از سده‌های هشتم و نهم گواهِ استعمال ندارد.

۷. سراینده فرامرزنامه در بیتی واژه «یلمه» را به کار گرفته است:

که گویندش از یلمه تیغ تیز
به آسایش و رزم تا رستخیز
(ص ۱۶۰، ب ۷۹۴)

چنانکه مصححان در بخش یادداشت‌ها (ص ۱۴۴) نوشته‌اند، لغت «یلمه» در فرهنگ‌ها نیست و اگر ناظم آن را به جای «یلمان» به کار برده باشد، چون شواهد «یلمان» به معنای «ضرب شمشیر» و «لبه تیغ» از متون سده نهم به بعد است، این هم می‌تواند در بحث تاریخ سرایش منظومه توجه‌برانگیز باشد.

۸. نکته مهمی که باید در تعیین زمان احتمالی نظم منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه به آن توجه کرد این است که از متون کهنی مانند گرشاسپ‌نامه اسدی طوسی، بهمن‌نامه و کوش‌نامه ایران‌شاه/ شان بن ابی‌الخیر، که تاریخ سرایش آن‌ها معلوم است، دستنویس‌هایی از سده‌های هشتم و نهم باقی مانده است. از سوی دیگر، از منظومه‌های متأخری نظیر شهریارنامه، سام‌نامه، برزوانه جدید و زرین‌قبانامه که احتمالاً در عصر صفوی و پس از آن به نظم درآمده‌اند، به‌علت همین تازگی نظم، نسخه‌های نو (سده یازدهمی و پس از آن) موجود است. از این روی پرسشی که پیش می‌آید این است که اگر فرامرزنامه کوچک همچون گرشاسپ‌نامه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه از آثار قدیم (قرن ششم) است، چرا هیچ نسخه‌ای از آن از قرون هشتم و نهم وجود ندارد و قدیم‌ترین دستنویس آن ظاهراً قبل از قرن دهم نیست؟^{۱۴}

۱۴. کهن‌ترین دستنویس تاریخ‌دار فرامرزنامه کوچک کتابت ۱۱۷۳ق است و در یکی از نسخ آن نیز در جایی تاریخ ۱۰۶۲ نوشته شده است، که طبعاً تاریخ نگارش دستنویس پیش از آن و احتمالاً متعلق به قرن دهم است؛ به‌ویژه که در ترقیمه آن، کاتب متن را از خواجوی شاهنامه‌خوان کراتی دانسته است و این شخص گویا در سده دهم می‌زیسته است (رک. مرزبان فارسی، ۱۳۹۹: بیست‌وهفت، پنجاه‌ودو).

۴. در فرامرزنامه کوچک «ای» به جای «این» به کار رفته است:

ز بهر تو ای سرور سیستان
نهادم من ای گنج هندوستان
(ص ۲۷، ب ۳۴۹)

مصححان در یادداشت‌ها (ص ۱۳۷) نوشته‌اند که برای این کاربرد (ای = این) پس از جست‌وجو در پیکره زبانی گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی فقط یک شاهد در مجالس جهانگیری عبدالستار لاهوری، از قرن یازدهم، یافته‌اند؛ یعنی این ویژگی نیز ظاهراً در متون فارسی، قدیمی نیست.

۵. در این منظومه یک بار لغت «مقنی» به معنای «چاه‌کن» دیده می‌شود:

بفرمود کاید مقنی هزار
دلیران با آلت کارزار
(ص ۴۹، ب ۶۴۷)

«مقنی» در لغت‌نامه بدون شاهد است و در فرهنگ بزرگ سخن گواهی از مکاتیب عبدالله قطب بن محیی (قرن ۹ و ۱۰ق) برای آن داده شده است (رک. انوری، ۱۳۸۲: ۷/ ذیل «مقنی»). نگارنده نیز در حدود بررسی‌های خویش نمونه‌ای کهن‌تر از قرن نهم و دهم برای کاربرد «مقنی» در متون فارسی نیافته است و اگر با جست‌وجوی بیش‌تر در منابعی نظیر پیکره زبانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شاهد/ شواهدی از سده‌های پنجم و ششم برای آن یافته نشود، می‌تواند جزو مویدات تأخیر زمان سرایش فرامرزنامه کوچک باشد.

۶. در این بیت:

یکی تیر ده‌مشت گرشاسپی
خندگی به پیکان طهماسپی
(ص ۷۰، ب ۱۹۲۱)

«ده‌مشت» به معنای «به اندازه/ درازی ده مشت» و واحد طول برای تیر است. این تعبیر یا الگو (یعنی: عدد + مشت) برای بیان اندازه تیر از ترکیبات متون نقالی و داستانی (ظاهراً از قرن هشتم و نهم به بعد) است (برای دیدن بعضی نمونه‌ها، رک. بی‌غمی، ۱۳۸۱: ۵۹۹؛ همو، ۱۳۸۸: ۷۴؛ طرسوسی،

آیا به این قیاس می‌توان گفت که «چون فرامرنامه کوچک نیز به سان منظومه‌های متأخر از سروده‌های حدود قرن نهم و دهم بوده‌است، نسخ آن هم مقدم بر این تاریخ‌ها نیست»؟ البته این نکته به‌تنهایی نمی‌تواند دلیل تأخر نظم فرامرنامه کوچک یا هر اثر کهنی باشد، زیرا نسخ دیوان‌های شعرایی چون فرخی و منوچهری و قطران نیز نونویس است ولیکن اگر این قرینه (تازگی همه دستنویس‌های فرامرنامه کوچک) در کنار چند نشانه زبانی دیگر که پیش‌تر گفته شد قرار گیرد، مهم و درخور توجه خواهد بود.

از مجموع آنچه طرح شد دو نتیجه احتمالی به دست می‌آید که شاید تحقیقات و تأملات بیشتر یکی از آنها را در آینده تأیید کند. نخست این که احتمالاً فرامرنامه کوچک از سروده‌های سده ششم نیست و در قرون بعد (شاید هشتم به بعد) به نظم کشیده شده‌است و مرزبان و کیقباد و شاه‌پروردگار و جهان‌پهلوان مذکور در آن ربطی به رفیع‌الدین مرزبان فارسی و ارسلان/ قزل‌ارسلان و اتابک جهان‌پهلوان محمد ندارد و احتمالاً ناظم آن گوینده‌ای گمنام به نام/ تخلص حسامی بوده‌است. دوم این که شاید اصل منظومه در همان سده ششم (بین ۵۵۵-۵۸۲ق) سروده شده ولی در نسخه‌های آن، که همه جدید است، کاتبان در متن دست برده و بعضی لغات و تعابیر متون متأخر، به‌ویژه روایت‌های نقالی، را به جای اصل سروده ناظم وارد کرده‌اند و این، سبب دوگانگی زبان متن شده‌است. این نوع دخالت و تغییر در قهرمان‌نامه (داستان قهرمان قاتل) هم دیده می‌شود و اگر اصل متن آن به‌راستی از ابوظاهر طرسوسی/ طرسوسی باشد، در نسخ موجود آن، کاتبان و راویان عناصری از قرون بعدی، خصوصاً لغات، ترکیبات و تعابیر روایات نقالی عصر صفوی، را افزوده‌اند و داستان را از نثر و روایت طرسوسی/ طرسوسی بسیار دور کرده‌اند (رک. پارساطلب، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۱).

با این مقدمه، ضمن ارج‌گذاری فراوان به زحمات روشمندان و علمی مصححان ارجمند در عرضه متنی منقح و اصولی از فرامرنامه کوچک، پیشنهادهایی درباره ضبط و توضیحات بعضی بیت‌ها تقدیم می‌شود تا هر کدام که

پذیرفته‌آمد در چاپ/ چاپ‌های بعدی مورد توجه باشد.

یک. که ناگه درآمد یکی نامدار

که می بار خواهد بر شهریار

(ص ۲، ب ۷)

املای یک نسخه «نامه‌دار» است و چند بیت بعد هم «... درون شد ز در هندوی نامدار» (ب ۱۳) سه نسخه «نامه‌دار» نوشته‌اند. بر این اساس و با توجه به این که در بیت ۸ پیک هندی دربان کاووس را «نامدار» می‌خواند («به دربان چنین گفت کای نامدار») پیشنهاد می‌شود در ابیات ۱۱، ۷ و ۱۳ فرستاده هندوان را مطابق چند نسخه «نامه‌دار: صاحب و آورنده نامه» بخوانیم، نه «نامدار: مشهور». در شاهنامه نیز آورنده نامه کیخسرو نزد فریبرز «نامه‌دار» خوانده شده‌است که در بعضی نسخ و چاپ‌ها آن را «نامدار» خوانده و نوشته‌اند: به نزد فریبرز شد نامه‌دار/ بداد آن زمان نامه شهریار (فردوسی، ۱۳۸۶: ۳/ ۷۹/ ۸۴۶ و زیرنویس ۶).

دو. چو ناپارسا بر سر تخت عاج

چو در گلخن افتاده زرینه تاج

(ص ۱۲، ب ۱۵۳)

در ابیات ۱۵۵ و ۱۵۶ با این که ضبط چند نسخه «چو» است در متن «چه» آورده شده‌است. چون ظاهراً «چو» در معنا و کاربرد حرف ربط تسویه «چه» شاهدهی ندارد پیشنهاد می‌شود در این بیت نیز «چو» در آغاز هر دو مصراع به «چه» تبدیل شود.

سه. بفرمود بستن گرانمایه بار

کشیده بنه سوی آن مرغزار

(ص ۳۰، ب ۳۸۲)

به‌قرینه «بستن» در مصراع نخست به‌لحاظ دستوری باید در مصراع دوم «کشیدن» باشد. در نسخه‌بدل‌ها فقط صورت «کشیدند» آمده‌است و باید دوباره بررسی شود که آیا ضبط نسخ دیگر همه دقیقاً «کشیده» خوانده می‌شود یا می‌توان «کشیدن» هم خواند و به متن آورد.

چهار. بدان پیکرش دید چون خار موی

بجست و گرفتش یکایک سروی

(ص ۳۱، ب ۳۹۹)

روشن است: جهان پرزر و سیم است اما مادر غار و مغاک (= دخمه و گور) هستیم. این معنا کاملاً با موضوع ایات این بخش که نوشته لوح دخمه نوش زاد است مناسبت دارد. اگر به هر دلیلی «در هنگ» پذیرفته نباشد، ضبط «پُرزنگ» بر «دست تنگ» مرجح است. «پُرزنگ بودن» در این جا کنایه از اندوهگینی و آشفتگی است.

شش. چمن بین که هست از بنفشه تهی
شقایق شده یکسره چون بهی

(ص ۳۹، ب ۵۱۹)

با توجه به این که: الف. ضبط پنج نسخه و چاپ سنگی فرامرزشنامه «سمن» است، ب. در بیت ۵۰۲ (بیالوده عنبر به روی سمن) روی نوش زاد «سمن» نامیده شده، ج. «سمن» در سنت شعر فارسی استعاره از «چهره سفید» است، پیشنهاد می شود این کلمه (سمن) به جای «چمن» در متن آورده شود. «چمن» در اینجا معنای استعاری روشن و دقیقی ندارد.

هفت. چو طهمور و دستور پاکیزه تن
چو اروند شه مهتر رای زن

(ص ۶۲، ب ۸۱۷)

به قرینه این که در مصراع دوم «اروند» رای زن است، در مصراع اول هم «طهمور» باید دستور باشد و نیازی به «و» نیست. در نسخه بریتانیا (گ ۳۳ پ) «چو طهمور دستور پاکیزه تن» است و باید ضبط دستنویس های دیگر هم دیده شود.

هشت. چو لخت آمد آن تیغ جنگی زر سپ
گریز اندر آورد و پیچید اسپ

(ص ۶۷، ب ۸۸۷)

«لخت» به معنی «برهنه» از واژه های متأخر است و ظاهراً در متون قدیم شاهدهی ندارد، از این روی پیشنهاد می شود «لخت» (laxt) خوانده شود. «لخت» یعنی «پاره و حصّه» و در ترکیب «لخت لخت» به معنای «پاره پاره» کاربرد دارد. در بیتی از گوینده ای به نام خسروی نیز «لخته کردن» به معنای «پاره کردن» آمده (رک. حسن دوست، ۱۳۹۳: ۴/۲۵۱۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «لخته»). در بیت فرامرزشنامه کوچک «لخت آمدن» ظاهراً به معنای «شکستن و تکه و پاره شدن» است. موضوع

ضبط نسخه ن (فرامرزشنامه مندرج در دستنویسی از شاهنامه از حدود قرن ۱۲ق) «بگفت» است و چون معمولاً هیچ کاتبی «بجست» را در این بافت معنایی به «بگفت» تبدیل نمی کند، نگارنده احتمال می دهد که شاید صورت درست «بگفت» بوده باشد که کاتبان نشناخته اند و «بگفت» و «بجست» نوشته اند. در بیتی از داستان رستم و اسفندیار شاهنامه فعل «بگفت» در دو نسخه توقفاپوسرای (۷۳۱ق) و لیدن (۸۴۰ق) آمده و در ویرایش نخست تصحیح خالقی مطلق و همکاران به متن برده شده است:

ز دیده بیامد به درگاه رفت
زمانی پراندیشه بر زین بگفت

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۵/۳۱۷/۳۰۲)

«گفتن» در این جا چنان که یکی از محققان هم توجه کرده است به معنای «خم شدن» است و ریشه واژه و صورت های پارسی میانه لغت نیز این معنا را تأیید می کند (رک. حسن دوست، ۱۳۹۳: ۴/۲۲۱۱). بنا بر این در بیت فرامرزشنامه کوچک هم می توان «بگفت» را «خم شد» معنا کرد: بیژن خم شد و شاخ آن (گرگ) را گرفت.

پنج. چمن بس فراخ است و دلتنگ ما
جهان پر زر و سیم و دست تنگ ما

(ص ۳۹، ب ۵۱۱)

با ضبط «دست تنگ» که مبتنی بر سه نسخه است، هم وزن مصراع تا حدودی سکنه دارد و هم قافیه (تنگ) به نوعی تکرار شده است. وجه «هنگ» در دستنویس پاریس (۱۱۷۳ق) - که نسخه اساس تصحیح است - و «پرزنگ» در دو نسخه دیگر دشوارتر است. اگر با توجه به صورت «در سنگ» در نسخه لایدن و چاپ سنگی فرامرزشنامه، ضبط دستنویس پاریس را «در هنگ» بخوانیم (جهان پر زر و سیم و در هنگ ما) و «هنگ» را «غار» معنا کنیم^{۱۶} معنای مصراع

۱۵. در ویرایش دوم این تصحیح «بخت» جایگزین آن شده است (رک. فردوسی، ۱۳۹۳: ۴/۱۴۶/۳۰۲).

۱۶. معنای «غار» برای «هنگ» گویا از ترکیب «هنگ افراسیاب» در شاهنامه گرفته شده که بر غار مخفی گاه افراسیاب اطلاق شده است (رک. تبریزی، ۱۳۶۱: ۴/۲۳۸۱). البته خود واژه «هنگ» در ریشه و صورت اوستایی آن با «کندن» و «زیر زمین» مرتبط است (رک. حسن دوست، ۱۳۹۳: ۴/۲۹۱۴) و معنای «غار» و «شکاف» برای آن نادرست نیست.

بیت هم این خوانش و معنا را تأیید می‌کند، زیرا تیغ زرسپ می‌شکند و او ناچار می‌گریزد. اگر «لُخت آمدن» به معنای «برهنه شدن شمشیر، بیرون آمدن از نیام» باشد پهلوان نباید بگریزد، بلکه باید با تیغ برآهیخته حمله بکند.

نه. فرامرز گفتش سمنرخ تویی

که داری به میدان رگ پهلوی

(ص ۶۸، ب ۸۹۴)

با توجه به قافیه مصراع دوم (پهلوی) املا و خوانش «توی» (tovi) برای قافیه مصراع اول درست است. می‌دانیم که در شاهنامه نیز قافیه همین ضبط و قرائت را نشان می‌دهد.

ده. دل کید خون شد از آن پرنهر

به دل گفت کاین شیر پرخاشخر

(ص ۶۹، ب ۹۱۳)

مصححان در مقدمه (ص ۳۷ و ۳۸) اشاره کرده‌اند که یکی از ویژگی‌های سبکی فرامرزنامه کوچک آوردن «ای» به جای «این» است. از این روی در این بیت و نیز بیت ۹۲۸ منظومه هم باید ضبط «کای» و «ای» از نسخه‌بدل‌ها به متن آورده شود، زیرا صورت دشوارتر است (کای شیر و ای گو).

یازده. دود آن کسی سوی این رستخیز

که نوشد سنان و نگیرد گریز

(ص ۷۵، ب ۹۸۵)

مصححان در مقدمه (ص ۳۷ و ۳۸) یکی از ویژگی‌های سبکی فرامرزنامه کوچک را کاربرد «او» در نقش و معنای صفت پیشین اشاره «آن/ این» نوشته و بیتی را نیز به شاهد آورده‌اند، اما چنان‌که در مقدمه این مقاله اشاره شد در چند بیت دیگر نیز این ویژگی در نسخه‌ها دیده می‌شود که در زیرنویس نگه داشته شده و در متن نیامده است^{۱۷}، ولی چون صورت نادرتر و طبعاً دشوارتر است پیشنهاد می‌شود به متن بیاید. از جمله در بیت مذکور نگاشته یک نسخه «او رستخیز» است. جز این، در ابیات دیگر هم این کاربرد هست که برای توجه مصححان ذکر می‌کنیم: «او پیل» به جای «آن پیل» (ص ۷۶، ب ۹۹۸)، «او مهد» به جای «آن

۱۷. در این بیت هم به درستی «او» به جای «آن» انتخاب شده است:

از او چون گذشتی به دو روز راه پدید آید او مرز ارونند شاه
(ص ۸۳، ب ۱۰۸۱)

مهد» (ص ۷۷، ب ۱۰۰۲)، «او نامور» به جای «آن نامور» (ص ۷۸، ب ۱۰۱۴)، «او بدرگ» به جای «آن بدرگ» (ص ۸۷، ب ۱۱۲۹)، «او سرکشی» به جای «آن سرکشی» (ص ۸۹، ب ۱۱۵۶)، «او گنبد» به جای «آن گنبد» (ص ۹۴، ب ۱۲۳۱) و «از او در» به جای «از این در» (ص ۱۱۸، ب ۱۵۱۰).

دوازده. به بالا ز شیو است و پر مکر و ریو

در او یافته راه، وارونه دیو

(ص ۱۰۳، ب ۱۳۲۷)

در توضیحات (ص ۱۳۹، ۱۵۰) «شیو» را صورت دیگری از «شیب» به معنای «سرازیری و پایین» دانسته و مصراع نخست را چنین معنا کرده‌اند: «بالای روزگار مانند پایین آن است و لابد پایین روزگار نیز مانند بالای آن». پیشنهاد نگارنده این است که طبق ضبط نسخه کتابخانه ملی (۱۲۸۰ق) «شیوه» بخوانیم. یکی از معانی «شیوه» «ناز و دلفریبی» (رک. انوری، ۱۳۸۲: ذیل «شیوه») است و با این بیت و ابیات پیش و پس از آن کاملاً تناسب دارد. در این چند بیت ناظم از زبان برهمن هندی جلوه‌نمایی فریبنده جهان را بیان و او را به عروسی تشبیه کرده که زبانش از مکر، چشمانش از فریب و نیرنگ، ابروانش از فن و دهانش از افسون است. بر این اساس، در مصراع اول بیت مورد بحث نیز قدّ/ بالای عروس جهان را از «شیوه» یعنی «ناز و فریب» دانسته است. با توجه به چند بیت این بخش، ضبط و معنای «شیو» در این جا مناسب نداشت و در این بیت‌ها سراینده با حرف «ز» و به کار بردن واژه‌های مربوط به حوزه معنایی مکر و نیرنگ یکی از اندام‌های عروس گیتی را توصیف کرده است، که «به بالا ز شیوه است» دقیقاً با آن‌ها مطابقت دارد.^{۱۸}

سیزده. یکایک چو بشنید کید این پیام

بجنیید شمشیرش اندر نیام

(ص ۱۰۵، ب ۱۳۵۴)

ضبط نسخه لایدن (کتابت پیش از ۱۰۶۳ق؛ فریم ۲۴۵ تصویر

۱۸. دو بیت قبل از بیت مورد بررسی را برای توجه و دقت بیشتر می‌آوریم:

بتی بینی او را همه نور و زیب زبانش ز مکر است و چشم از فریب
دو چشمش ز نیرنگ و ابرو ز فن ز خوبی سر است و به افسون دهن
(ص ۱۰۳، ب ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶)

را از پرداخت باژ اضافی می‌رهاند؛ تا این‌که نوبت بعدی باژ و ساو فرا رسد» (ص ۱۳۴). به‌رغم آشفتگی ضبط، برداشت نگارنده از این دو بیت، با توجه موضوع این بخش (یاری‌خواهی نوشاد هندی از کاوس) و بیت قبلی،^{۲۱} چنین است: زمانی که کاوس از ما باژ می‌خواهد پیش از او / ابتدا، کید از ما باج می‌گیرد، پس کاوس نخست باید ما را از شر کید برهاند و زان پس [از ما] باژ و ساو بطلبد.

هفده. سرود نوآیین و جام بلور
درافکنند مغز دلیران به شور

(ص ۴۸، ب ۶۳۴)

درباره «سرود نوآیین» در این بیت به‌نقل از مقاله «ببر بیان» دکتر خالقی مطلق نوشته‌اند «منظور از سرود نوآیین، سرودی است که پس از پیروزی پهلوان درباره نبرد او می‌ساختند» (ص ۱۴۱). بررسی شواهد کاربرد «نوآیین» در متون مختلف نشان می‌دهد که این ترکیب بارها در کنار «سرود» و «نوا» و «مغنی» و «مطرب» آمده‌است و ربطی به سرود پیروزی پهلوان ندارد. در این کاربردها، از جمله در بیت فرامرزنامه کوچک - که «سرود نوآیین» در بزم و از سوی رامشگران خوانده می‌شود - «نوآیین» ظاهراً به معنای «نو و طرفه و توجه‌برانگیز و نغز» است. نمونه‌هایی از استعمال این صفت را در کنار «سرود» و «سراینده» می‌آوریم، ولی به نظر نگارنده به دلیل تکرار این صفت به‌همراه سرود و مطرب، شاید در اصطلاحات موسیقایی قدیم معنای ویژه‌ای از آن مورد نظر بوده‌است:

نوآیین مطربان داریم و بربطهای گوینده
مساعده ساقیان داریم و ساعدهای چون فله

(منوچهری دامغانی، ۱۳۸۵: ۲۱۳)

سرودی گفت گوسان نوآیین
در او پوشیده حال ویس و رامین

(اسعدگرگانی، ۱۳۸۶: ۲۲۰)

ستازن برآورده بانگ سرود
سرودی نوآیین‌تر از صد درود

(نظامی گنجوی، ۱۳۸۷: ۸۹۴)

۲۱. بدان نامور (= کید هندی) ما نداریم تاو / چو کاوس جوید ز ما باژ و ساو
(ص ۴، ب ۳۷)

دیجیتالی) «نجنید» است^{۱۹} و همین با موضوع این بخش تطابق دارد، چون کید با شنیدن پیام از جنگ و کین منصرف می‌شود و این با «نجنید شمشیرش اندر نیام» بیان شده‌است. صورت «نجنید شمشیرش...» معنای برعکس دارد و به معنای «بیرون آمدن تیغ از غلاف» و «جنگ طلبی» است، که در این جا منظور نیست.

چهارده. تو گفتی هوا مشک پر دامن است
جهان را همه نافه پیرامن است

(ص ۱۰۹، ب ۱۴۰۷)

باید نگاشته نسخه دوباره دیده‌شود که آیا «بر دامن» خوانده می‌شود؟ چون تعبیر «مشک بر دامن بودن/ داشتن هوا» مناسب‌تر و بانحو مصراع سازگار است. شاید هم سهو چاپی بوده و «بر»، «پر» نوشته شده‌است.

پانزده. مرا رای چیپال و آن مرز خواست
شدن سوی آن مرز و بومم هواست

(ص ۱۱۱، ب ۱۴۲۵)

پیشنهاد می‌شود قافیه مصراع نخست «خاست» نوشته‌شود. «رای چیزی خاستن/ رای خاستن بر چیزی» به معنای «قصد چیزی را کردن»، «تصمیم گرفتن» باز در این منظومه به کار رفته است^{۲۰} و در این جا هم فرامرز به کید می‌گوید تصمیم گرفته‌ام (اندیشه بر این خاسته/ ایستاده) که به سوی چیپال و سرزمین او بروم.

شانزده. نخستین ز ما باژ بستاند اوی
وزان پس ز ما باز برهاند اوی

وزان پس طلب دارد آن ساو و باج
و گرنه دگر ره نجوید خراج

(ص ۳۸-۳۹، ب ۴)

در توضیحات، پس از اشاره به ابهام این دو بیت و احتمال از دست رفتن ضبط درست و اصلی، آن را چنین معنا کرده‌اند: «کاوس نخست از ما باژ می‌ستاند و پس از آن، ما

۱۹. تصویر این دستنویس نیز به مرحمت جناب دکتر خطیبی به دست نگارنده رسیده‌است.

۲۰. در این بیت: چه گویی ز دانش بر این هر چهار / گرت رای خیزد به من بر شمار
(ص ۱۱۸، ب ۱۵۰۹)

مغنی بیار آن نوآیین سرود
بگو با حریفان به آواز رود

(حافظ شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۰۱۵)

خُلد به غالب سپار زان‌که بدان روضه در
نیک بود عندلیب خاصه نوآیین‌نوا

(غالب دهلوی، ۱۳۷۶: ۱۳)

هجده. درخت بلا را به‌جای آوریم
در آن گه که در رزم پای آوریم

(ص ۶۴، ب ۸۳۸)

مصراع نخست چنین معنا شده است: «درخت بلا را از جا درمی‌آوریم» (ص ۱۴۵). از آن‌جایی که فعل جمله «به‌جای آوریم» است پیشنهاد می‌شود مصراع را این‌گونه معنا کنیم: درخت بلا را می‌کاریم/ ایجاد می‌کنیم. «به‌جای آوردن درخت» یعنی «کاشتن و در زمین گذاشتن آن» و «ز جای برآوردن/ درآوردن درخت» یعنی «از جا درآوردن آن».

نوزده. خمیده ز کویال شد یالشان
برآمد سنان رخت و کویالشان

(ص ۶۷، ب ۸۸۴)

در معنای مصراع دوم نوشته‌اند: «سنان، رخت و کویال آن‌ها را درآورد» (ص ۱۴۶). «کویال» را چه به‌معنای «گرز» بگیریم - که در مصراع اول هم هست - و چه به‌معنای «گردن» (رک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «کویال») - که در این‌جا مناسب‌تر است - درآوردنی نیست، لذا پیشنهاد می‌شود با افزودن حرف اضافه «به» پس از «سنان» در تقدیر/ ژرف‌ساختِ مصراع دوم، آن را چنین معنی کنیم: سنان به رخت و کویال آن‌ها در آمد (اصابت کرد).

بیست. چه عود و چه عنبر چه دار بقم
جهان سربه سر چهرة زادشم

(ص ۸۲، ب ۱۰۶۶)

در توضیحات می‌خوانیم «شاید منظور سراینده از این‌که سراسر جهان چون چهرة زادشم شد، اشاره به ثروت و مکنث زادشم باشد که از پدرش تور به او رسیده بود» (ص ۱۴۷). نام‌ها و داستان‌های شاهنامه در متن خود شاهنامه و سپس آثار بعد از آن، غیر از این‌که مشبّه‌به دلاوری و نبرد قرار گرفته،

بارها برای تصویرسازی‌های دیگر (مانند: وصف طبیعت، طلوع و غروب، موضوعات غنایی و...) به کار رفته است و «چهرة زادشم» هم از آن موارد است که مشبّه‌به زیبایی و آراستگی قرار گرفته است و به نظر نگارنده پیوندی با مال و خواسته زادشم ندارد. در این باره صدها شاهد هست که به دو نمونه از شاهنامه و بیتی از ناصر خسرو بسنده می‌کنیم:

چُن آواز رستم، شب تیره ابر
بلدرد دل و گوش غزان هزبر

(فردوسی، ۱۳۹۳: ۲/ ۱۳۵/ ۱۶)

یکی سرو بُدسبز و برگش گشن
بر او شاخ چون رزمگاه پشن

(همان، ۱۰۲۲/ ۲: ۳۶۴۷/ ۱۰۲۲)

چونسرین بخندد شود چشم گل
به خون سرخ چون چشم اسفندیار

(ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۳۵۴)

بیست‌ویک. سپاه تو را پیشرو من شوم
به مردی به کام برهمن شوم

(ص ۸۹، ب ۱۱۵۸)

در توضیح مصراع دوم نوشته‌اند: «مراد شاعر از "به کام برهمن بودن" دقیقاً دانسته نیست. ظاهراً می‌گوید: با مردانگی خود کاری می‌کنم که مطابق میل و خواسته برهمن باشم» (ص ۱۴۸). شاید این برهمن با برهمنی که در ادامه داستان، فرامرز در حضور کید با او گفت‌وگو/ مناظره می‌کند مرتبط باشد. در این صورت، ضبط «گاه» در فرامرزنامه مندرج در نسخه‌ای از شاهنامه (حدود قرن دوازدهم) درخور توجه است (به مردی به گاه برهمن شوم) و نوشدار می‌گوید من پیشرو می‌شوم که تو را به جایگاه برهمن - که مهتر هندوان است - ببرم.

بیست‌ودو. یکی خرقه سالخورده به بر
فروسته زَنار و برکی به سر

(ص ۱۱۴، ب ۱۴۶۸)

در توضیحات (ص ۱۵۲) دو احتمال درباره واژه «برک» در مصراع دوم مطرح شده است. یکی اینکه شاید همان «بَرک» (barak) باشد به‌معنای «بافته‌ای از پشم شتر که بیشتر درویشان از آن کلاه و قبا سازند» و به‌ضرورت وزن به سکون

مورد بحث «باد پَران» را استعاره از «غرور و منی» بدانیم، «تیره سنگ» را «وجود یا نفس آدمی» و «آدرنگ» را نیز «رنج و سختی و تباهی» (رک. صادقی، ۱۳۹۲: ذیل «آدرنگ») معنا کنیم. با این تفاسیر، معنای پیشنهادی بیت چنین است: بادِ غرور و منی بر وجود/ نفس انسان می‌وزد و دل او (پادشاه) را دچار رنج و سختی و تباهی می‌کند.

در پایان، بعضی سهوهای مطبعی را برای اصلاح در چاپ/ چاپ‌های بعدی می‌آوریم:

در مواردی مشخصات منابعی که در مقدمه و توضیحات به صورت درون‌متنی بدان‌ها ارجاع داده شده در فهرست منابع از قلم افتاده یا نامنطبق نوشته شده است. برای نمونه: «خطیبی، ۱۳۹۸» (در ص بیست‌ودو، زیرنویس ۱)، «گلچین معانی، ۱۳۴۰» و «وفادار مرادی، ۱۳۸۱» (در ص پنجاه‌وسه)، «آیدنلو، ۱۳۹۶» (در ص ۱۳۶)، «خالقی مطلق، ۱۳۷۲» (در ص ۱۴۱)، «قائم‌مقامی، ۱۳۹۷» (در ص ۱۵۱) در کتابنامه نیامده است. تاریخ چاپ «de Blois, 1994» (در ص بیست‌ودو) در فهرست منابع (ص ۱۷۰) ۱۹۹۷ نوشته شده که باید اصلاح شود. «خطیبی، ۱۳۹۵» (در ص چهل‌ودو) باید با الف و ب مشخص شود، چون در کتابنامه دو منبع به صورت «خطیبی، ۱۳۹۵ الف» و «خطیبی، ۱۳۹۵ ب» هست. در صفحه ۱۷۰، Blois, Berg و Zutphen باید به صورت van den Berg, van Blois و van Zutphen نوشته شود و در ترتیب الفبایی خود بیاید.

افتادگی‌ها: ص ۴۳، ب ۵۶۸ - کلمه «پای» در محلّ قافیه مصراع دوم؛ ص ۸۳، ب ۱۰۸۱ - «راه» در قافیه مصراع اول؛ ص ۱۰۷ - پانویس شماره ۱۱؛ ص ۱۲۵، پانویس بیت دوم - واژه «رود» در قافیه مصراع نخست؛ ص ۱۵۹ - شماره بیت لغت «مزدور» نوشته نشده است. از سهوهای حروف‌چینی هم این نمونه‌ها به نظر نگارنده رسیده است: «سیتان» به جای «سیستان» (ص ۱۵، بیت پنجم زیرنویس ۱۲)؛ «هوشیار» به جای «هشیار» (ص ۳۳، ب ۴۳۰)؛ ۲۱ به جای ۲۲ (ص ۵۳، زیرنویس)؛ «خورد» به جای «خُرد» (ص ۷۷، ب ۱۰۰)؛ «چون» به جای «چو» (ص ۹۵، ب ۱۲۳۹) و «جهت» به جای «جهت» (ص ۱۵۳، سطر ۳).

ب (بُرک/ bark) تلفظ شده باشد؛ دوم این که شاید صورت درست «برگی» و «مراد سراینده از "برگی به سر" کلاهی باشد ساخته شده از برگ درختان که برهن بر سر نهاده بود». نگارنده حدس دیگری را پیش می‌کشد و آن این که شاید این لغت، «بُرک» (bork) باشد. «بُرک» لغتی است ترکی به معنای «کلاه» که در دیوان لغات‌الترک کاشغری آمده (رک. کاشغری، ۱۳۷۵: ۳۲۸) و در بیتی مذکور در تاریخ و صاف هم به کار رفته است (رک. دولت‌آبادی، ۱۳۸۶: ۷۴) که شاهد کاربرد آن در متون فارسی است. احتمالاً در بیتی از ازرقی هروی نیز این واژه دیده می‌شود.^{۲۲} این خوانش (بُرک) و معنا (کلاه) دقیقاً مناسب بیت فرامرزنامه است و «بُرکی به سر» یعنی «کلاهی به سر».

بیست‌وسه. چومرغی به باد نفس برشده
ز دیدار مردم فروتر شدی

(ص ۱۱۴، ب ۱۴۷۰)

مصراع دوم این‌گونه معنا شده است «برای دیدن مردم از آسمان فرود می‌آید» (ص ۱۵۲). پیشنهاد نگارنده این است که «فروتر شدن از دیدار مردم» را کنایه از «دوری‌گزینی از دیدن مردم یا مقابل چشم مردم» بدانیم که ناظر است بر ویژگی انزوا و عزلت‌گزینی جوکیان. بنا بر این، معنای مصراع چنین است: [آن جوکی هندی/ برهن] از دیدن مردم یا از برابر چشم انسان‌ها دوری می‌جُست.

بیست‌وچهار. یکی باد پَران در آن تیره‌سنگ
بدو باشد آن پادشاه آدرنگ

(ص ۱۱۵، ب ۱۴۸۷)

نوشته‌اند: «معنای مصراع دوم چندان روشن نیست» (ص ۱۵۲) و «شاید مراد شاعر این است که رونق کار پادشاه از باد پَران است» (ص ۱۵۳). با توجه به این که در ابیات این بخش (پرسش برهن از فرامرز) مراد از «کوه»، انسان و منظور از «پادشاه»، دلِ اوست،^{۲۳} نگارنده پیشنهاد می‌کند در بیت

۲۲. درع قطران‌حلقه از دریا ببوشد آسمان

برک مرجان‌کوکب از خارا برآرد کوهسار

(ازرقی هروی، ۱۳۹۸: ۳۴، ب ۳۰۲)

۲۳. که این کوه نبود بجز آدمی کجا اصل دارد ز آب منی
... دلش خسرو و دست جنگی سپاه زبان پاک دستور و تن بارگاه
(ص ۱۱۶، ب ۱۴۹۰ و ۱۴۹۲)

دو نکته بسیار جزئی هم هست که باید جزو سهوهای چاپی آورده شود: یکی این که در صفحه ۱۴۹ به اسرارالتوحید تصحیح ذبیح الله صفا ارجاع داده شده است که باید به تصحیح معتبرتر شفیع کدکنی استناد شود. دوم این که پیشنهاد می شود در این بیت:

تن او یکایک سپر بر سپر
نخیزد در او تیر پرخاشخ

(ص ۴۳، ب ۵۶۲)

معنای دقیق «نخیزد» در یادداشتهای متن توضیح داده شود که آیا به معنی «اثر کردن» است یا «به نظر رسیدن»؟^{۲۴} و چنین معنا و کاربردی (خاستن/ نخاستن تیر در بدن کسی یا چیزی) شاهد/ شواهد دیگری دارد یا خیر؟ اهمیت و ضرورت این توضیح افزون بر نادر بودن این تعبیر، از آن روی است که خطیبی، یکی از مصححان متن، پیش تر در نقدی که بر تصحیح نخست فرامرزنامه کوچک نوشته است صورت «نگیرد» را در این بیت به جای «نخیزد» درست دانسته است (خطیبی، ۱۳۹۴: ۳۹) ولی خود در تصحیح دوباره همان «نخیزد» را به متن برده است که البته انتخاب درستی است و «نخیزد» در این بافت/ بیت نسبت به «نگیرد» در دو نسخه دیگر دشوارتر و برتر است.

منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۳). «بررسی فرامرزنامه». نامه پارسی، سال نهم، ش ۲ (پیاپی ۳۳، تابستان): ۱۷۵-۱۹۸.
 - _____ (۱۳۹۳). «سه نکته از دستور تاریخی در شاهنامه و متون پهلوانی». دستور، ش ۱۰ (اسفند): ۴۷-۶۴.
 - _____ (۱۳۹۷). «نقد و تحلیل تصحیح شبرنگ نامه». پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، سال هجدهم، ش ۲ (اردیبهشت): ۱-۲۹.
 - ازرقی هروی (۱۳۹۸). دیوان، تحقیق و تصحیح مسعود راستی پور، محمدتقی خلوصی. تهران: کتابخانه مجلس.
 - اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۸۶). ویس و رامین. تصحیح و تحقیق محمد روشن. تهران: صدای معاصر.
 - انوری، حسن (سرپرست) (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن.
۲۴. تیر دلاور در بدن اژدها اثر نمی کند؟ یا تیر در بدن پریشیزه او فرو می رود ولی دیده نمی شود؟

- تهران: سخن.
- بهادر حسینی قنوجی بخاری، سید علی حسن خان (۱۳۹۵). صبح گلشن. چاپ سنگی، ش ۴۳۹۵۲ کتابخانه مجلس.
- بی غمی، مولانا محمد (۱۳۸۱). داراب نامه. به تصحیح ذبیح الله صفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۸). فیروز شاه نامه. به کوشش ایرج افشار و مهران افشاری. تهران: چشمه.
- پارسا طلب، عباس (۱۳۹۸). ← طرسوسی، ۱۳۹۸ (مقدمه)
- تاریخ سیستان (۱۳۸۷). تصحیح محمدتقی بهار (ملک الشعرا). تهران: معین.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۶۱). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین. تهران: امیرکبیر.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۸۵). دیوان. تدوین و تصحیح رشید عیوضی. ج ۲ (با ویرایش جدید). تهران: امیرکبیر.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حکیم سمرقندی (۱۳۹۳). ترجمه السواد الاعظم. به اهتمام عبدالحی حبیبی. تهران: دانشگاه تهران.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۲). «مطالعات حماسی: ۲. فرامرزنامه». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۳۱، ش ۲ و ۳ (پیاپی ۱۲۸ و ۱۲۹، تابستان و پاییز): ۸۵-۱۲۱.
- _____ (۱۳۸۶). «حماسه». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ج ۲، ص ۷۲۳-۷۴۵.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۷۳). «اتابکان (آذربایجان)». در: دایرة المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. ج ۶، ص ۴۸۳-۴۹۰.
- _____ (۱۳۹۴). «نقد و بررسی متن انتقادی فرامرزنامه کوچک». فصلنامه نقد کتاب میراث، سال دوم، ش ۵ (بهار): ۱۹-۵۸.
- _____ (۱۳۹۵). آیا فردوسی محمود غزنوی را هجو گفت؟ (هجونامه منسوب به فردوسی). تهران: پردیس دانش.
- دولت آبادی، عزیز (۱۳۸۶). فرهنگ واژه های ترکی و مغولی در متون فارسی. تبریز: دانشگاه تبریز.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- دیانت، علی اکبر و منصوره وثیق (۱۳۹۳). «اتابکان

- مجیرالدین بیلغانی (۱۳۵۸). دیوان. تصحیح و تعلیق محمد آبادی باویل. تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- منوچهری دامغانی (۱۳۸۵). دیوان. به اهتمام سید محمد دبیرسیاقی. تهران: زوآر.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۷۸). دیوان. به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- نحوی، اکبر (۱۳۸۱). «ملاحظات درباره فرامرزنانه و سراینده آن». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵ و ۵۱، ش ۱۶۴ (زمستان): ۱۱۹-۱۳۶.
- _____ (۱۳۹۱). «فرامرزنانه». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ج ۴، ص ۷۹۲-۷۹۶.
- نظامی گنجوی (۱۳۸۷). خمسه (بر اساس چاپ مسکو-باکو). تهران: هرمس.
- واله داغستانی، علی قلی (۱۳۸۴). ریاض الشعرا. تصحیح و تحشیه محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- همایی، جلال الدین (۱۳۶۱). مختاری نامه (مقدمه دیوان عثمان مختاری غزنوی). تهران: علمی و فرهنگی.
- KHALEGI MOTLAGH, Jalal (1999). "Farāmarz-Nāma". In: *Encyclopædia Iranica*. edited by Ehsan YARSHATER. New York: Bibliotheca Persica Press. vol. 9, p. 240-241.
- VAN ZUTPHEN, Marjolijn (2014). *Farāmarz, the Sistāni Hero (Texts and Traditions of the Farāmarznāme and the Persian Epic Cycle)*. Leiden: Brill.
- آذربایجان». در: تاریخ جامع ایران. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. ج ۹، ص ۱-۵۱.
- سجادی، صادق (۱۳۹۵). دولت‌ها و سلسله‌های حاکم بر قلمرو اسلام. تهران: کتاب رایزن.
- شبرنگ‌نامه (۱۳۹۵). سراینده: ناشناس (احتمالاً قرن ششم هجری). به کوشش ابوالفضل خطیبی و گابریله وان دن برگ. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن.
- صادقی، علی اشرف (سرپرست) (۱۳۹۲). فرهنگ جامع زبان فارسی. ج ۱. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- طرسوسی، ابوطاهر (۱۳۹۸). قهرمان‌نامه (داستان قهرمان قاتل). تصحیح، مقدمه و تعلیقات: عباس پارسا طلب. تهران: خاموش.
- طومار نقالی شاهنامه (۱۳۹۱). مقدمه، ویرایش و توضیحات: سجاد آیدنلو. تهران: به‌نگار.
- عوفی، محمد (۱۳۶۱). لباب الالباب (از روی چاپ براون با مقدمه و تعلیقات محمد قزوینی و نخبه تحقیقات سعید نفیسی). به کوشش محمد عباسی. تهران: کتابفروشی فخر رازی.
- عیدگاه طرهبه‌ای، وحید (۱۳۹۹). تلفظ در شعر کهن فارسی (بهره‌گیری از شعر در شناخت تلفظهای دیرین). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن.
- غالب دهلوی (۱۳۷۶). دیوان. به اهتمام محسن کیانی. تهران: روزنه.
- فارسی، رفیع‌الدین مرزبان (۱۳۹۹). فرامرزنانه کوچک (سرایش بین سالهای ۵۵۵ تا ۵۷۱ق). پیشگفتار، متن انتقادی و شرح بیت‌های دشوار: ابوالفضل خطیبی و رضا غفوری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و سخن.
- فرامرزنانه. نسخه شماره Or.2946 کتابخانه بریتانیا.
- فرامرزنانه. نسخه شماره MS. Acad. ۱۵۰ دانشگاه لایدن.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر ششم با همکاری محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- _____ (۱۳۹۳). شاهنامه. پیرایش جلال خالقی مطلق. تهران: سخن.
- کاشغری، محمود بن حسین (۱۳۷۵). دیوان لغات‌الترک. ترجمه و تنظیم: سید محمد دبیرسیاقی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



Table of Contents

Editorial

Why Do We Neglect the Importance of Translation?	3-4
--	-----

Articles

A Treatise on Aristotle's Biography and Works / Marvan RASHED ; Translated by Hoseyn MASOUMI HAMEDANI	5-8
An Unexpected Romance: Reevaluating the Authorship of the <i>Khosrow-nāma</i> / Austin O'MALLEY ; Translated by Shokoofe MAYBODI	9-33
Abū-Īshāq-i Kāzīrūnī and Īshāqī Dervishes in Anatolia / Fuat KÖPRÜLÜ ; Translated to German by Paul WITTEK ; Translated to Turkish by Jemal KÖPRÜLÜ ; Translated to Persian by Hojat FAKHRI	34-40
A Newly-Found Manuscript of <i>Hizār Hikāyat-i Şūfiyān</i> (A Thousand Narratives of the Sufis) / Hamed KHATAMIPOUR	41-50
The Friendship of Aunt Bear (Doing Someone an Unintended Disservice) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	51-55
<i>Bayāz-i Şā'ib</i> (An Anthology of Persian Poems Compiled by Şā'ib) / Seyyed Jafar HOSEYNI ESHKEVARI	56-59
Some Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of <i>Tārīx-i Sīstān</i> / HamidReza (Babak) SALMANI	60-66
New Information About the Poet of "Seek Knowledge from the Cradle to the Grave" (<i>Zi Gahwāra tā Gūr Dānish Bijūy</i>) and His Family / HamidReza FAHNDEJ SADI	67-72
Investigating the Poems of Two Different Shams-i Hājīs in <i>Majmu'ī-yi Laṭāyif wa Safīnī-yi Zārāyif</i> (A Handbook on Rhetoric and an Anthology of Persian Poems) / Mohsen SHARIFI SAHI	73-75
<i>Maktūbāt-i Qadīm</i> or <i>Maktūbāt-i Şadī</i> ? (Early Letters, or Centesimal Letters?) / MohamadSadegh KHATAMI	76-78
Investigating a Possibility: The Absence of the Title "Urūsh al-Dīn" in <i>Lubāb al-Albāb</i> / Sara SOLEYMANI KASHKOULI	79-80
Investigating a Number of Farrukhī-yi Sīstānī's Couplets through Yahyā Tawfiq's Anthology of Persian Poems / Kiamehr NAMVAR	81-87
Under the Auspices of Orientalists: Exploratory Roads to the Manuscripts of Ibn-i Baṭṭūṭa's Travelogue / Reyhaneh BEHBOUDI	88-95

Reviews and Critiques

The Importance of <i>The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts</i> to Indian Sub-Continental Studies / Arif NAUSHAHI	96-98
A Few Notes on the New Edition of <i>the Small Farāmarznāma</i> , Its Composer and Date of Composition / Sajjad AYDENLOO	99-113
Translation or Distortion? (A Few Comments on <i>A Study Of Tabā'ī' al-Ḥayawān</i>) / Yousuf AL-HADI ; Translated by Salman SAKET	114-123
Some Considerations on the Edited Text of <i>'Ajāyib al-Dunyā</i> (Wonders of the World) / Seyyed Reza MOUSAVI HAFTADOR ; Radman RASOULI MEHRABANI	124-145

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (12) / Walter BRUNO HENNING ; Translated by Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	146-151
--	---------

Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Works of Ahmed Cevdet Pasha / Nasrollah SALEHI	152-154
---	---------

On the Previous Articles

On <i>Shin-i Zayī</i> and <i>Sin-i Zayī</i> (the Farsi Phonemes /sh/ and /s/ Realised as /z/) / Ali Ashraf SADEGHI	155-156
<i>Chand - Chand-e</i> / Masoud RASTIPOUR	157-159

Gozaresh-e Miras

92 - 93

Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology

Third Series, vol. 5, no. 3 - 4, Autumn 2020 - Winter 2021
[Pub. Spring 2022]

Properietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

General Editor:

Masoud Rastipour

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, **Fax:** 66406258

Website: www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozaresh@mirasmaktoob.ir

Table of Contents

Editorial

Why Do We Neglect the Importance of Translation? 3-4

Articles

A Treatise on Aristotle's Biography and Works / Marvan RASHIED; Translated by Hoseyn MASOUMI HAMEDANI 5-8

An Unexpected Romance: Reevaluating the Authorship of the *Khosrow-nāma* / Austin O'MALLEY; Translated by Shokoofe MAYBODI 9-33

Abū-İshāq-i Kāzīrūnī and İshāqī Dervishes in Anatolia / Fuat KÖPRÜLÜ; Translated to German by Paul WITTEK; Translated to Turkish by Jemal KÖPRÜLÜ; Translated to Persian by Hojat FAKHRI 34-40

A Newly-Found Manuscript of *Hizār Hikāyat-i Şūfiyān* (A Thousand Narratives of the Sufis) / Hamed KHATAMIPOUR 41-50

The Friendship of Aunt Bear (Doing Someone an Unintended Disservice) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 51-55

Bayāz-i Şā'ib (An Anthology of Persian Poems Compiled by Şā'ib) / Seyyed Jafar HOSEYNI ESHKEVARI 56-59

Some Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of *Tārīx-i Sīstān* / HamidReza (Babak) SALMANI 60-66

New Information About the Poet of "Seek Knowledge from the Cradle to the Grave" (*Zi Gahwāra tā Gūr Dānish Bijūy*) and His Family / HamidReza FAHNDEJ SADI 67-72

Investigating the Poems of Two Different Shams-i Hājis in *Majmu'ī-yi Laṭāyif wa Safīnī-yi Zarāyif* (A Handbook on Rhetoric and an Anthology of Persian Poems) / Mohsen SHARIFI SAHI 73-75

Maktūbāt-i Qadīm or *Maktūbāt-i Sadī*? (Early Letters, or Centesimal Letters?) / MohamadSadegh KHATAMI 76-78

Investigating a Possibility: The Absence of the Title "Urūsh al-Din" in *Lubāb al-Albāb* / Sara SOLEYMANI KASHKOULI 79-80

Investigating a Number of Farrukhī-yi Sīstānī's Couplets through Yaḥyā Tawfīq's Anthology of Persian Poems / Kiamehr NAMVAR 81-87

Under the Auspices of Orientalists: Exploratory Roads to the Manuscripts of Ibn-i Baṭṭūṭa's Travelogue / Reyhaneh BEHBOUDI 88-95

Reviews and Critiques

The Importance of *The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts* to Indian Sub-Continental Studies / Arif NAUSHABI 96-98

A Few Notes on the New Edition of *the Small Farāmarznāma*, Its Composer and Date of Composition / Sajjad AYDENLOO 99-113

Translation or Distortion? (A Few Comments on *A Study Of Ṭabā'ī' al-Hayawān*) / Yousuf AL-HADI; Translated by Salman SAKET 114-123

Some Considerations on the Edited Text of *'Ajāyib al-Dunyā* (Wonders of the World) / Seyyed Reza MOUSAVI HAFTADOR; Radman RASOULI MEHRABANI 124-145

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (12) / Walter BRUNO HENNING; Translated by Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 146-151

Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Works of Ahmed Cevdet Pasha / Nasrollah SALEHI 152-154

On the Previous Articles

On *Shin-i Zayī* and *Sin-i Zayī* (the Farsi Phonemes /sh/ and /s/ Realised as /z/) / Ali Ashraf SADEGHI 155-156

Chand - Chand-e / Masoud RASTIPOUR 157-159